



درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۵ دی ۱۳۹۷

مصادف با: ۸ جمادی الاولی ۱۴۴۰

جلسه: ۵۱

موضوع کلی: فصل فی شرائط الوضوء

موضوع جزئی: شرط نهم؛ مباشرت در افعال وضو

سال تحصیلی: ۹۸-۹۷

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

در جلسه گذشته به روایات دال بر کراهت مباشرت غیر در مقدمات قریبه وضو اشاره شد و اشکالات وارده بر این روایات نیز ذکر شد و نتیجه این شد که دلالت این روایات تمام نیست و لذا مباشرت غیر در مقدمات قریبه وضو کراهت ندارد.

**دفاعیه صاحب جواهر (ره) از سند روایات سه گانه مذکور**

مرحوم صاحب جواهر (ره) فرموده است که درست است که روایات دال بر کراهت مباشرت غیر در مقدمات قریبه وضو ضعیفند، لکن این ضعف، یا به عمل مشهور برطرف می شود و عمل مشهور بر طبق این روایات ضعف سندی آنها را جبران می کند یا اینکه ضعف سند در موردی که حکم به کراهت می شود، مضر نیست و دلیل عدم مضر بودن، قاعده تسامح در ادله سنن است.

**پاسخ از کلام صاحب جواهر (ره)**

مشکل روایات سه گانه مذکور، فقط ضعف سندی نیست تا گفته شود که عمل مشهور این ضعف را برطرف می کند یا اینکه گفته شود که ضعف سند در مورد حکم به کراهت، مضر نیست. بنابراین، بر فرض که کلام مرحوم صاحب جواهر (ره) پذیرفته شود، فقط مشکل سندی روایات مذکور، حل می شود، ولی مشکل دلالتی این روایات کماکان به قوت خود باقی است؛ هرچند که مشکل سند باقیست. اگر پذیرفته شود که اصحاب و بزرگان به روایات ضعیف اعتماد کرده اند و ضعف آن روایات به دلیل عمل اصحاب جبران شده است زیرا از عمل اصحاب فهمیده می شود که شاید قرینه ای در اختیار اصحاب و فقها بوده است که در اختیار بقیه نبوده است، گفته می شود که پس آن روایات مورد اعتمادند، اما این سخن در جایی پذیرفته است که احراز شود که بزرگان و اصحاب به این روایات اعتماد کرده اند، ولی چنین چیزی احراز نشده است زیرا حکم مستفاد از این روایات حکم الزامی نیست، بلکه حکم کراهت است و محتمل است که اعتماد فقها به این روایات از باب تسامح در ادله سنن بوده باشد و از باب وجود قرینه نزد آنها نبوده باشد. بنابراین، با وجود این احتمال که ممکن است که دلیل اعتماد فقها، تسامح در ادله سنن بوده باشد، عمل مشهور نمی تواند جابر ضعف سند باشد چون عمل مشهور در فرضی جابر ضعف سند است که از باب وجود قرینه نزد آنها بوده باشد.

اما اگر دلیل اعتماد فقها به روایات مذکور، قاعده تسامح در ادله سنن باشد، مشکل این است که قاعده تسامح در ادله سنن محل بحث واقع شده است و بعضی اصلاً آن را قبول ندارند و بر فرض تمامیت این قاعده، این قاعده مربوط به مستحبات است و به مکروهات مربوط نمی شود و دلیل آن، تعبیراتی است که در روایات مربوط وارد شده است که روایت ذیل از آن جمله است:

«مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَعَمِلَ ذَلِكَ الْعَمَلُ...»<sup>۱</sup>

تعبیر وارد شده در روایت مذکور، در رابطه با امر مستحب است و به امر مکروه ربطی ندارد.

۱. محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲، ص ۲۵۶.

پس اولاً، قرینه‌ای نزد فقها نبوده است تا عمل آنها جابر ضعف سند باشد و ثانیاً، تمسک به قاعده تسامح در ادله سنن مربوط به مستحبات است و ربطی به مکروهات ندارد. بنابراین، دفاعیه مرحوم صاحب جواهر (ره) از سند روایات مذکور، پذیرفته نیست. مرحوم صاحب مدارک (ره) و مرحوم صاحب حدائق (ره) فرموده‌اند که استعانت از غیر در مقدمات قریبه وضو اشکالی ندارد و موجب کراهت نیست.

روایات ذیل مؤید این نکته‌اند که شرک در آیه شریفه «...فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»<sup>۱</sup>، شرک در مقابل اخلاص است:

روایت اول: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ قَالَ: فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)، قَالَ: سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنْ تَفْسِيرِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا"؛ فَقَالَ: «مَنْ صَلَّى مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ» إِلَى أَنْ قَالَ: «وَمَنْ عَمِلَ عَمَلًا مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ مُرَاءَاةَ النَّاسِ فَهُوَ مُشْرِكٌ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَمَلَهُ»<sup>۲</sup>.  
بنابراین، آیه شریفه مستقیماً مربوط به کراهت نیست، بلکه به شرک در مقابل اخلاص اشاره دارد.

روایت دوم: عَنْ جَرَّاحِ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ "فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا"؛ قَالَ: «الرَّجُلُ يُعْمَلُ شَيْئًا مِنَ الثَّوَابِ لَا يَطْلُبُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ؛ إِنَّمَا يَطْلُبُ تَرْكِيبَةَ النَّاسِ يَشْتَهِي أَنْ يُسْمَعَ بِهِ النَّاسُ؛ فَهَذَا الَّذِي أَشْرَكَ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ...»<sup>۳</sup>.

بنابراین، منحصر کردن آیه مذکور، به کراهت صحیح نیست و مقصود آیه مذکور، یا شرک در مقابل اخلاص است یا نهایه تشریک در عمل است، یعنی موردی که مشارکت در وضو گرفتن صدق کند، مد نظر است و انجام مقدمات وضو مراد نیست.

دلیل بر لزوم مباشرت در وضو نیز همان گونه که قبلاً عرض شد، آیه شریفه «...فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ...»<sup>۴</sup> است. **مسئله ۵۶۱:** «إِذَا كَانَ الْمَاءُ جَارِيًا مِنْ مِيزَابٍ أَوْ نَحْوِهِ فَجَعَلَ وَجْهَهُ أَوْ يَدَهُ تَحْتَهُ بِحَيْثُ جَرَى الْمَاءُ عَلَيْهِ بِقصد الوضوء، صح و لا ینافی وجوب المباشرة، بل یمکن أن یقال: إذا كان شخص یصب الماء من مكان عال لا بقصد أن يتوضأ به أحد و جعل هو يده أو وجهه تحت، صح أيضاً و لا يعد هذا من إعانة الغير أيضاً»<sup>۵</sup>.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر آب از ناودان یا مانند آن، جاری باشد و شخص صورتش یا دستش را زیر آن بگیرد، به گونه‌ای که به قصد وضو آب بر آن جاری شود، وضو صحیح است و جریان آب از ناودان بر صورت و دست با وجوب مباشرت [که قبلاً به آن اشاره شد] منافات ندارد، بلکه ممکن است که گفته شود که اگر شخصی از مکان بلندی آب بریزد و این آب ریختن به قصد اینکه کسی با آن وضو بگیرد، نباشد و شخص دستش یا صورتش را [به قصد وضو] زیر آن آب قرار بدهد، وضوی او صحیح است و این مورد، از موارد اعانة غیر در وضو گرفتن شمرده نمی‌شود.

دلیل صحت وضو در دو فرض مذکور در این مسأله، این است که در فرض اول، وضو به خود شخص استناد داده می‌شود و به ناودان و امثال آن استناد داده نمی‌شود لذا از عنوان مباشرت خارج نشده است و عرفاً دیگران خود آن شخص را متصدی انجام وضو می‌دانند و در فرض دوم نیز که شخص مشخصی آب را از بلندی می‌ریزد، همین سخن مطرح است و از عنوان مباشرت

۱. «الکھف»: ۱۱۰.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ابواب مقدمة العبادات، باب ۱۱، ص ۶۸، ح ۱۳.

۳. همان، باب ۱۲، ص ۷۱، ح ۶.

۴. «المائدة»: ۶.

۵. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۴.

خارج نمی‌شود زیرا شستن صورت و دست‌ها با دست کشیدن بر آنها یا جریان آب بر آنها [به نحوی که همه آن را فرا گیرد،] تحقق پیدا می‌کند و در هر دو صورت، وضو محقق می‌شود و زمانی که شخص از بالای بلندی آب را می‌ریزد و شخص صورت و دست‌های خود را زیر آن آب می‌گیرد، در واقع خود شخص وضو می‌گیرد و آن شخصی که آب را می‌ریزد، فقط در مقدمات وضو شراکت کرده است لذا وضوی شخص در این فرض نیز صحیح است.

مرحوم آیت الله خویی (ره) فرموده است که حتی در فرضی که شخص از بالا آب می‌ریزد، به قصد اینکه شخص دیگر با آن آب وضو بگیرد و شخص با آن آب وضو بگیرد، مشکلی ندارد و وضوی شخص صحیح است و آب ریختن شخص، استعانت در وضو گرفتن نیست، بلکه اعانه است، یعنی شراکت در اصل وضو گرفتن نیست، بلکه کمک در فراهم آوردن مقدمات وضو است که اشکالی ندارد و به مباشرت شخص در وضو خللی وارد نمی‌کند چون مفهوم اعانه با قصد، قوام و تحقق پیدا می‌کند و اگر شخص قصد کرد که با آبی که می‌ریزد، شخص دیگر وضو بگیرد، اعانه صدق می‌کند و وضوی شخص صحیح است و اگر اصلاً قصد نکند، اعانه‌ای در کار نیست و وضویش صحیح خواهد بود. مرحوم آیت الله خویی (ره) در ادامه فرموده است که دو فرض متصور است؛ اول، اینکه کسی دستش را در جایی قرار بدهد و دیگری روی آن آب بریزد و دوم، اینکه کسی آب می‌ریزد و شخص دستش را زیر آن قرار می‌دهد و مسأله مورد بحث، از فرض دوم شمرده می‌شود و از فرض اول نیست لذا وضوی شخص صحیح است.

«الحمد لله رب العالمین»